



آتش را می‌بینی؟!

سیر منطقی و خلاصه جلسه بیست و دوم

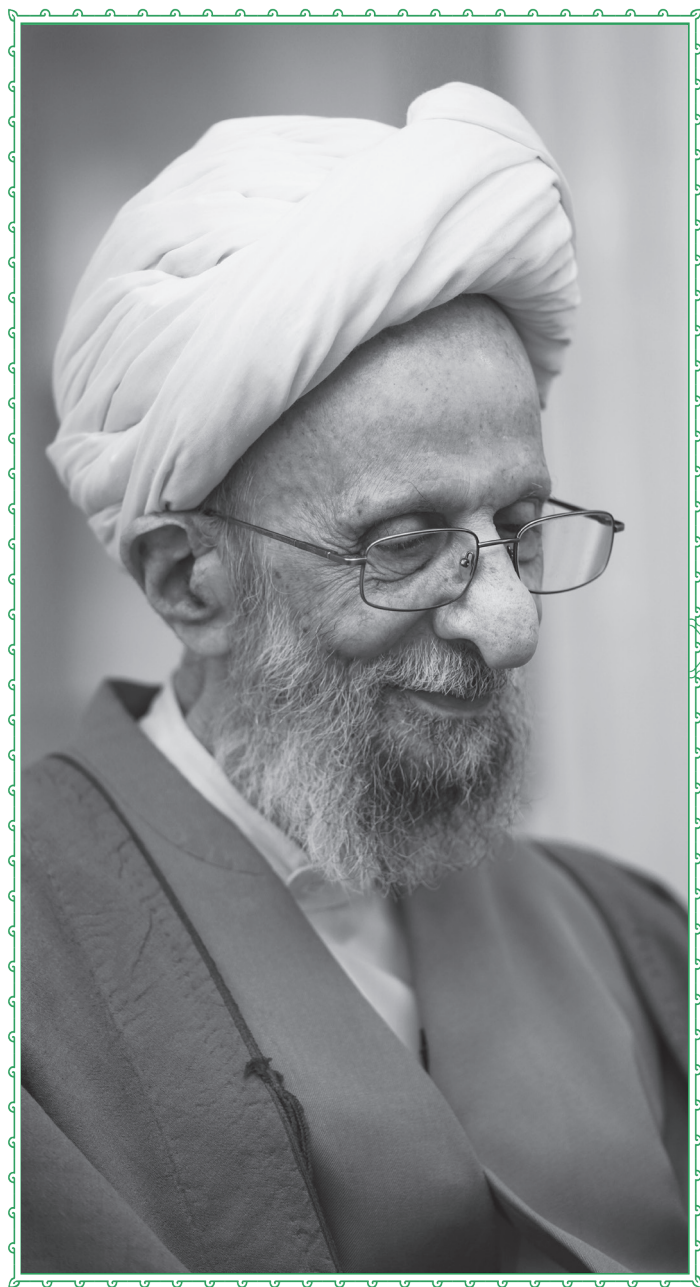
«به سوی بهار»؛ نگاهی دوباره به سلسله

جلسات شرح دعای ۴۴ صحیفه سجادیه

توسط مرحوم علامه مصباح یزدی رحمۃ اللہ علیہ

کاری از رسانه @MESBAHYAZDI-IR





بسم الله الرحمن الرحيم

• سیر منطقی مباحث

حضرت سجاد (ع)، در این فراز از دعا از تعبیر «عق رقبه» برای درخواست بخشش و رهایی از آتش جهنم استفاده کرده‌اند. این اصطلاح، که در آیات و روایات قرآنی به معنای آزادی اسیران و بردگان به کار رفته، بیانگر این است که انسان گناه‌کار، با ارتکاب خطا، همچون برده‌ای، گرفتار آتش جهنم می‌شود.

آیه «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا» نیز به معنای نزدیک شدن مؤمنان به جهنم و عبور از صراطی است که بر آن قرار دارد، نه دخول واقعی به شعله‌های آن. برخی مفسران عرفانی حتی این «ورود» را تأویل کرده و جهنم را باطن دنیا دانسته‌اند؛ ظاهری جذاب اما باطنی آتشین که بزرگان باطن بین آن را می‌بینند. سخن گفتن ویژگی انسانی است و با استفاده از صنایع مختلفی همچون برهان، جدل، شعر و مناجات می‌توان اهداف مختلفی از جمله اثبات حجت، مغلوب ساختن طرف مقابل و ارتباط عمیق با خداوند را دنبال کرد.

مناجات به عنوان یکی از این صنایع، نوعی گفتار ویژه با خداوند است که در آن انسان با بهره‌گیری از عواطف درخواست رحمت و نجات از آتش جهنم می‌کند. انواع مناجات نیز بسته به نحوه بیان متفاوت است؛ از جمله مناجات «استرحام»، که در آن بنده با گریه و ناله از خداوند

رحمت می طلبید، و مناجات «دلال»، که بالحن ناز و محبت، نزدیکی خود را به خداوند نشان می دهد.

• متن دعا

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَإِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيَالِي شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ يُعْتَقُهَا عَفْوَكَ، أَوْ يَهَبُهَا صَفْحُكَ فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ الرِّقَابِ، وَاجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلِ وَأَصْحَابِ؛ پروردگارا، بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ درود فرست و حال که هر شب از شب های این ماه، به برکت عفو و بخششت، تعداد زیادی از بندگان از آتش جهنم، آزاد و مشمول گذشت و آمرزش می شوند، ما را نیز از آن بندگان آزادشده ات و بهترین اصحاب این ماه قرار ده.»

• خلاصه مباحث

۱. مقدمه

حضرت سجاد علیه السلام بعد از دعا برای کسب توفیقات و دفع موانع بندگی خدا، به مسئله بخشش بندگان خدا در شب های بابرکت ماه پرفضیلت رمضان اشاره کرده اند و از خداوند متعال تقاضا دارند تا ما را نیز از آزادشدگان و بخشوده شدگان این شب ها قرار دهد.

۲. برکت شب های ماه مبارک رمضان

بخشش بندگان گنه کار در شب های ماه مبارک رمضان، امری شایع بین مسلمین بوده و منشأ این شیوع، روایات

بسیاری است که از رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده است.^۱

۳. عتق و فک رقبه

امام سجاد علیهما السلام در این فراز از دعا از تعبیر «عتق رقبه» استفاده کرده‌اند. سوالی که پیش می‌آید این است که حکمت استفاده از این تعبیر برای رهایی از آتش جهنم چیست؟

۱. توضیح مفهوم عتق و فک رقبه

اصطلاحات «عتق رقبه» و «فک رقبه» به معنای آزادی اسیر و بنده از مفاهیم قرآنی و روایی‌اند که در آیات متعدد قرآن به کار رفته‌اند، مانند «فَتَّخْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ»^۲ و «فَكَ رَقَبَةٍ»^۳. این تعابیر در دعاهای ماه رمضان، از جمله دعای ابوحمزه و جوشن کبیر، رایج هستند. در لغت، «رقبه» به معنای گردن است و از آنجا که طناب به گردن بردگان می‌انداختند و به اسارت می‌بردند، این واژه برای اشاره به آنان به کار رفته است.

۲. فک رقبه در مناجات‌ها به معنای نجات از آتش جهنم

انسان گناهکار، با خطایی که مرتکب می‌شود، گرفتار آتش جهنم می‌شود. وقتی آتش بر او مسلط شد، او برده این آتش است.^۴ به گونه‌ای که نمی‌توانند از دام عذاب الهی فرار کنند.

۱. رک: اصول کافی، ج ۴، ص ۶۷

۲. نساء (۴)، ۹۲.

۳. بلد (۹۰)، ۱۴۱۳.

۴. وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ اِنَّكَ لِيْ وَلَا تَفِيْتِيْ اِلَّا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَاِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيْطَةٌ بِالْكَافِرِيْنَ (توبه، ۴۹)؛ يَسْتَغْلِبُوْكَ بِالْعَذَابِ وَاِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيْطَةٌ بِالْكَافِرِيْنَ (عنكبوت، ۵۴)

گویی گنه‌کار با ارتکاب گناه، حلقه بردگی را بر گردنش افکنده است.

۳. ورود همگانی به جهنم

حضرت سجاد علیه السلام با این فراز از دعا، به حکم حتمی الهی اشاره می‌کنند که همه انسان‌ها، حتی مؤمنان، وارد جهنم خواهند شد؛ همانطور که قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا».° سوال این است که آیا مؤمنان واقعاً داخل شعله‌های جهنم می‌شوند و مقصود از ورود مؤمنان به جهنم در این آیه چیست؟

توجه به تفاوت مفهوم (ورود) و (دخول)

«ورود» به معنای «دخول» نیست، بلکه اعم از آن است و گاهی به معنای اشراف و نزدیک شدن نیز به کار می‌رود. در داستان حضرت موسی علیه السلام، «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ»^۵ به معنای نزدیک شدن به آب است، نه داخل شدن در آن. در روایات ذیل آیه نیز ورود به جهنم را به معنای داخل شدن به جهنم نمی‌دانند.^۶

ممکن است مقصود، عبور از صراطی باشد که روی جهنم قرار دارد، به گونه‌ای که مؤمنان با لطف الهی از آن می‌گذرند و کافران به جهنم سقوط می‌کنند. بنابراین، ورود مؤمنان به جهنم در این آیه به معنای نزدیک شدن و مشرف بودن بر آن است، نه داخل شدن در آتش جهنم.

۵. مریم (۱۹)، ۷۱.

۶. قصص (۲۸)، ۲۳.

۷. بحار الانوار لدر اخبار الائمه الاطهار، ج ۸، ص ۲۹۱.

تأویل عرفانی آیه

برخی مفسران عرفانی قرآن، «ورود» به جهنم را تأویل کرده و معتقدند جهنم، باطن دنیاست. دنیا ظاهری جذاب دارد، اما قرآن هشدار داده که این ظاهر، باطنی آتشین دارد، آیات قرآن نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند.^۸

برخی بزرگان با چشم باطن، باطن جهنمی اعمال را می‌دیدند و حتی غذاهای برخی افراد را به صورت چرک و خون مشاهده می‌کردند.

۴. عصیان اولیای الهی

اولیای الهی و معصومین علیهم‌السلام مرتکب گناه نمی‌شوند، اما به دلیل معرفت بالای خود، همواره احساس شرمندگی دارند؛ زیرا نمی‌توانند حق بندگی خدا را آن‌گونه که شایسته است، ادا کنند. همان‌طور که بیماری که قادر به رعایت برخی آداب نیست، در حضور فرد محترمی احساس شرمندگی می‌کند، بندگان حقیقی نیز حتی در انجام امور مباح مانند خوردن و آشامیدن خود را از یاد خدا غافل می‌بینند و به همین دلیل، استغفار می‌کنند.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز با وجود عصمت، روزانه هفتاد بار استغفار می‌کردند تا قلب مبارکشان از کدورت‌های احتمالی پاک بماند و از اشتغالات روزمره، به عبادت و ارتباط با خدا بازگردند.

۵. نجات از آتش مهمترین درخواست

اگر انسان درک کند که باطن گناه، آتشی است که خود بر

۸. ر.ک: اکل مال یتیم در نساء (۴)، ۱۰.

جاننش می‌افروزد، مهم‌ترین خواسته‌اش نجات از این آتش خواهد بود، نه نعمت‌های بهشتی چرا که او اگر بداند که هم‌اکنون در حال سوختن است، و این امور از خواسته‌های درجه دوم اوست. آنچه مهم است، در ابتدا، خاموش ساختن آتش است.^۹

۴. انواع سخن

سخن گفتن از ویژگی‌های انسان است و در ارتباطات، نیازمند فنون و صناعاتی همچون برهان، جدل، شعر و خطابه است. رعایت شرایط هر روش، تأثیر آن را افزایش می‌دهد. برهان شیوه‌ای است که در مباحث عقلی و اثبات حجت به کار می‌رود. در قرآن نیز برای اثبات وجود خدا، صفات الهی و حقایق دیگر از برهان استفاده شده است. این روش در علوم عقلی، فلسفی و کلامی نقش اساسی دارد.

جدل با استفاده از مبانی طرف مقابل، او را مغلوب می‌سازد. قرآن کریم از این روش برای نقد باورهای غلط، مانند زنده‌به‌گور کردن دختران یا اعتقاد به فرزنددار بودن خداوند، بهره برده است. در این شیوه، استدلال بر اساس باورهای مخاطب صورت می‌گیرد تا نادرستی دیدگاهش آشکار شود. مناجات نیز از فنون سخن گفتن محسوب می‌شود که در ادامه‌ی این متن به آن اشاره شده است.

۱. مناجات با خداوند

مناجات با خداوند، نوعی سخن گفتن است که شرایط

۹. ر.ک حار الانوار ج ۹۴، ص ۳۳۳.

خاص خود را دارد و رعایت آن‌ها برکات بیشتری به همراه می‌آورد. انسان باید با نگاه به رحمت الهی، درخواست‌هایش را از خداوند با همت بلند مطرح کند، چرا که درخواست‌های زیاد از خداوند نقصی در خزانه او ایجاد نمی‌کند.

اقتضای همه مناجات‌ها و درخواست‌ها از خداوند این است که چون مسبوق به درجه‌ای از معرفت و شناخت نسبت به خداوند و کیفیت ارتباط انسان با اوست، هرچه معرفت، بالاتر و ایمان، یقینی‌تر باشد، سطح این مناجات‌ها و مطالبات نیز بالاتر و دقیق‌تر است.

۲. انواع مناجات

مناجات انواع مختلفی دارد:

مناجات «استرحام»

در این مقام، انسان به‌گونه‌ای خاص با خداوند متعال سخن می‌گوید. سخنش را با گریه و ناله همراه می‌کند تا با قیاس به حال خود و به خیال خود، خداوند را سر لطف آورد، رحمت خدا جوشش کند و از رحمت الهی، بهره‌مند شود. وقتی بنده در مقام مناجات، آن هم از نوع استرحام باشد، به یقین، خداوند متعال نیز با وی برخورد استدلالی و منطقی نخواهد کرد. اساساً خداوند نیز چنین شیوه‌ای را از بنده‌اش می‌پذیرد.

مناجات «دلال»

در این‌گونه مناجات‌ها، شخص در مقام مناجات در برابر خداوند متعال، لحنی همراه با ناز و دلال دارد. مثال بارز

آن برخی فرازهای مناجات شعبانیه است^{۱۰}. این مناجات نشان‌دهنده احساس نزدیکی فوق‌العاده مناجات‌کننده با خداوند است.

۱۳۸۷/۰۷/۰۳

متن و صوت کامل جلسه را از [اینجا](#) ببینید.



۱۰. اِلٰهِيْ اِنْ اَخَذْتَنِيْ بِجُرْمِيْ اَخَذْتُكَ بِعَثْوِكَ، وَاِنْ اَخَذْتَنِيْ بِذُنُوْبِيْ اَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ، وَاِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ اَعْلَمْتُ اَهْلَهَا اَنْبِيَ اَجْبِكَ؛



@mesbahyazdi_ir | mesbahyazdi.ir